وقتی جان بولتون به سیبل اف بی آی و سیا تبدیل می شود

انتقام ترامپ از سیاستمدار ورشکسته

فخرالدین اسدی
تحلیلگر حوزه روابط بین‌الملل

داغ شکست در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ میلادی هنوز بر دل ترامپ سنگینی می کند! رئیس جمهور کنونی آمریکا درصدد انتقام از کسانی برآمده که هریک به نوعی در تحقق این شکست نقش داشته‌اند. یکی از این افراد جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق دولت آمریکاست. فردی که با انتشار کتاب خاطرات خود از دوران حضور در کنار ترامپ نقش مهمی در کاهش سبد آرای وی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایفا کرد. بولتون آرای بخشی از نومحافظه کاران را از ترامپ دور ساخت و حتی آن ها را به سبد رأی دموکرات ها و جوبایدن منتقل ساخت. بسیاری از تحلیلگران مسائل انتخاباتی و سیاسی آمریکا معتقدند افشاگری های بولتون نقش به سزایی در شکست ترامپ در دو ایالت آریزونا و جورجیا ایفا کرد. دو ایالتی که در آن جمهوری خواهان همیشه پیروز بودند اما در سال ۲۰۲۰ به ایالات آبی (دموکرات) تبدیل شدند. کاملا قابل پیش بینی بود که ترامپ پس از بازگشت به کاخ سفید از بولتون انتقام خواهد گرفت! این اتفاق اکنون، در آگوست ۲۰۲۵ میلادی رخ داده است. بولتون که خود یکی از مهره های رژیم متوحش صهیونیستی در ایالات متحده محسوب می شود و جنگ طلبی و اشغالگری خصلت ذاتی وی به شمار می آید، هم اکنون در آتش خشم سیاستمداری جنجالی و کینه توز گرفتار شده است. ترامپ از پلیس فدرال گرفته تا وزارت دادگستری آمریکا را در روند انتقام گیری از بولتون دخیل ساخته و به نظر می رسد حتی لحظه‌ای به تغییر رویکرد کنونی خود در قبال مشاور امنیت ملی سابقش فکر نمی کند!

نقش سیا و اف بی آی در تفتیش منزل بولتون

سحرگاه جمعه گذشته، مأموران اف بی آی در اقدامی بی سابقه، خانه جان بولتون، منتقد صریح و مشاور امنیت ملی پیشین دونالد ترامپ، را مورد تفتیش قرار دادند. رسانه های آمریکایی می گویند این ضربه ناگهانی بر در خانه بولتون، بایدچون ناقوسی هشداردهنده برای هرشهروند آمریکایی به صدا درآید. این رویداد، که نشانگر تشدید استفاده دولت ترامپ از اهرم های انتظامی برای هدف قرار دادن مخالفان سیاسی است، جبهه‌ای تازه و بس خطرناک را در مسیر اقتدارگرایی آمریکایی نمایان می سازد. به عبارت بهتر، بولتون قطعا آخرین قربانی انتقام گیری ترامپ بابت شکست در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ نخواهد بود. او در حال به روزرسانی لیست قربانیان جدید خود است! خصومت دیرینه میان رئیس جمهور و مشاور سابقش بر کسی پوشیده نیست. بولتون پس از هفده ماه خدمت، دولت ترامپ را ترک گفت؛ ترامپ مدعی اخراج او بود، حال آنکه بولتون می گفت از سمت خود (به صورت خودخواسته و در اعتراض به رویکرد حاکم بر کاخ سفید) استعفا داده بود! از آن زمان، بولتون بی وقفه به انتقاد از ترامپ پرداخته و او را متهم به ترجیح منافع سیاسی شخصی بر امنیت ملی کرده است. فرمان بازرسی که نیاز به تأیید قضائی دارد، به دلیل محرمانه ماندن چندماهه آن، ابهامات بسیاری را پیرامون ادعاها و شواهد پشتیبان حکم بولتون ایجاد کرده است. گزارش های اولیه حاکی از آن بود که این تفتیش در پی تحقیقاتی پیرامون درز اطلاعات حساس امنیت ملی توسط بولتون به رسانه ها، با هدف آسیب رساندن به ترامپ، صورت گرفته است. متعاقبا، گزارش هایی منتشر شد مبنی بر اینکه این جست وجو بر اساس اطلاعات جمع آوری شده توسط سازمان سیا، که اکنون تحت مدیریت وفاداران به ترامپ است، انجام شده است. صورت مسئله گویاست: بولتون باید از صحنه سیاسی آمریکا به صورت مطلق حذف شود تا دیگر جمهوری خواهانی که هوس مخالفت با رئیس جمهور کنونی این کشور را در ذهن می پرورانند، قدرت مانور و ریسک پذیری کمتری در این خصوص پیدا کنند.

پرونده‌ای که دیگر مختومه نمی‌شود!

> بولتون پیش از انتخابات ۲۰۲۴ به شدت از ترامپ انتقاد کرده و پیش بینی کرده بود که دولت دوم ترامپ «بحران قانون اساسی» را به همراه خواهد داشت

درژوئن ۲۰۲۰، زمانی که بولتون در آستانه انتشار خاطرات خود از دوران همکاری با ترامپ بود، وزارت دادگستری برای جلوگیری از انتشار کتاب و توقیف سود حاصل از آن اقامه دعوی کرد. ادعای آن ها این بود که بولتون با گنجاندن اطلاعات امنیت ملی، توافق عدم افشا را نقض کرده است. این شکایت اما به دلیل توزیع قبلی کتاب شکست خورد، هرچند در آن زمان قاضی منطقه‌ای ایالات متحده، رئیس لمبرت، این پرسش را مطرح کرد که آیا بولتون با امنیت ملی «قمار» کرده و خود را در معرض مسئولیت مدنی و احتمالا کیفری قرار داده است یا خیر! ترامپ تلاش کرده پس از حدود ۵ سال پاسخ این سؤال را با صریح ترین اقدام ممکن علیه مشاور امنیت ملی سابق خود بدهد. در سپتامبر ۲۰۲۰، پس از انتشار کتاب، وزارت دادگستری تحقیقات جنایی را آغاز و هیئت منصفه عالی تشکیل داد. با این حال، متخصص طبقه بندی که مسئول بررسی پیش از انتشار کتاب برای شورای امنیت ملی بود، بعدها در نامه‌ای به دادگاه، تأکید کرد که کتاب از هرگونه مطالب طبقه بندی شده پاک شده است. وکلای این مقام در نامه خود، تشریح کردند که چگونه «روند غیرسیاسی توسط منصوبان سیاسی برای هدفی ظاهرا سیاسی به کار گرفته شده است.» این نامه نه تنها حاکی از یک کمپین سوءنیت علیه بولتون بود، بلکه نیویورک تایمز گزارش داد که «روایت این مقام حاکی از آن است که وزارت دادگستری ممکن است به دادگاه گفته باشد که کتاب حاوی اطلاعات طبقه بندی شده است و براساس ادعاهای دروغین، تحقیقات جنایی علیه بولتون را آغاز کرده است.» دولت بایدن سال بعد این تحقیقات را مختومه اعلام کرد تا به نوعی از نقش آفرینی جان بولتون بابت شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۰ تمجید کرده باشد! اما اکنون قواعد بازی انتقام را جمهوری خواهان و شخص ترامپ تعیین می کنند. این بدترین خبر ممکن برای بولتون محسوب می شود.

آخرین نفس‌های بولتون

بولتون پیش از انتخابات ۲۰۲۴ به شدت از ترامپ انتقاد کرده و پیش بینی کرده بود که دولت دوم ترامپ «بحران قانون اساسی» را به همراه خواهد داشت. در هفته های اخیر، او به شدت دیدار ترامپ با ولادیمیر پوتین در مورد جنگ اوکراین را محکوم کرده و اظهار داشته که پوتین حتی پیش از شروع اجلاس آلاسکا «از پیش پیروز شده بود».

ترامپ نیز به نوبه خود، مشاور سابقش را «یک فرد پست که باید در زندان باشد» و «یکی از احمق ترین افراد در دولت» توصیف کرده است.

در روزهای آتی، اطلاعات بیشتری در مورد پرونده سازی ترامپ برای بولتون منتشر خواهد شد. بسیاری از آمریکایی ها این حادثه را به عنوان جنگ حزبی بیشتر در عرصه‌ای که به طور فزاینده‌ای خصمانه می شود، تحلیل می کنند. اما این قضاوت عمومی تأثیری بر اقدامات کنونی و آتی ترامپ در تقابل با مخالفان سیاسی وی نخواهد داشت.

الگوی نهادینه‌شده در سیاست خارجی آمریکا

سیاست خارجی ایالات متحده، از کودتا علیه کشورهای مختلف گرفته تا تهدیدات تجاری علیه کشورها رفتاری امپریالیستی و سلطه‌محور (هژمونیک) را دنبال کرده که هدفش واداشتن جهان به خصوص کشورهای مخالف سیاست های آمریکا به تسلیم در برابر منافع واشنگتن است. سیاست خارجی ایالات متحده از زمان تبدیل شدن این کشور به یک قدرت جهانی، بر پایه سیاستی امپریالیستی و سلطه‌محور استوار بوده که هدفش واداشتن دولت ها –چه مخالف و چه متحد– به پذیرش اراده واشنگتن است. این رویکرد که ریشه در باور به برتری هژمونیک آمریکا دارد، از طریق ابزارهای متنوعی چون کودتا، تحریم های اقتصادی، فشار دیپلماتیک و مداخله نظامی اعمال شده است. در دوره دونالد ترامپ، به ویژه در دور دوم ریاست جمهوری اش این راهبرد با صراحت آشکارتری در دستور کار واشنگتن قرار گرفته است. برای نمونه، اظهارات اخیر او در سال ۲۰۲۵ درباره ایران، که خواستار تسلیم کامل تهران در مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به توافقی شبیه به «پیروزی نظامی» شده نه یک انحراف، بلکه ادامه همان سیاستی است که پیش‌تر در پوشش عباراتی مانند «ترویج دموکراسی» یا «تغییر رفتار» پنهان می شد. این الگوی رفتاری، که در قبال کشورهای مخالف مانند ایران، ونزوئلا و کوبا و حتی متحدان سنتی مانند اروپا و ژاپن اعمال شده، نشان دهنده خودمحوری عمیقی است که استقلال دیگر ملت ها را تنها تا جایی به رسمیت می شناسد که با منافع آمریکا همخوانی داشته باشد. داستان معاصر ایران و ایالات متحده از کودتای ۱۹۵۳ علیه دولت ملی گرای محمد مصدق آغاز می شود، زمانی که سازمان سیا با همکاری بریتانیا دولت منتخب ایران را سرنگون کرد تا نفوذ خود را بر منابع نفتی و سیاست این کشور حفظ کند. این اقدام، که به بازگشت رژیم پهلوی منجر شد پیش زمینه‌ای برای حذف هرگونه استقلال سیاسی مخالف با منافع واشنگتن بود. پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ که ایران را از مدار نفوذ آمریکا خارج کرد، واشنگتن رویکردی خصمانه‌تر در پیش گرفت. تحریم های اقتصادی، حمایت از گروه های معارض و فشارهای همه جانبه دیپلماتیک، سیاسی و رسانه‌ای به بخشی ثابت از سیاست آمریکا تبدیل شد. در دو راول ریاست جمهوری دونالد ترامپ خروج یک جانبه از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال سیاست «فشار حداکثری» اقتصاد ایران را با تحریم های بی سابقه‌ای هدف قرار داد که صادرات نفت را به حداقل رساند و دسترسی تهران به سیستم های مالی جهانی را مختل کرد.

تجربه جهانی سلطه خواهی آمریکا

این الگوی سلطه محوری به ایران محدود نمی شود. ونزوئلا، با منابع عظیم نفتی و سیاست های ضدآمریکایی اش، از زمان به قدرت رسیدن هوگوچاوز در سال ۱۹۹۹ هدف فشارهای مشابهی قرار گرفت. تحریم های اقتصادی که از سال ۲۰۱۴ شدت یافت، صنعت نفت این کشور را فلج کرد و بحرانی اقتصادی به وجود آورد که میلیون ها نفر را به فقر کشاند. در سال ۲۰۱۹ آمریکا با به رسمیت شناختن خوان گوایدو به عنوان «رئیس جمهور موقت» و حمایت مالی و دیپلماتیک از اپوزیسیون، عملا تلاش کرد دولت نیکلاس مادورو را سرنگون کند. این اقدامات، که با ادعای «بازگرداندن دموکراسی» توجیه می شد، در حقیقت تلاشی برای بازگرداندن ونزوئلا به مدار نفوذ آمریکا و کنترل منابع استراتژیک آن بود. در دور دوم ترامپ هم این فشارها با اعمال تحریم های جدید و اقدامات خصمانه دیگر ادامه یافته است و واشنگتن همین چند روز پیش سه ناو جنگی را در سواحل ونزوئلا مستقر کرد.

خودکشی سیاسی در پاریس

گویا عدم رأی اعتماد پارلمان فرانسه به کابینه و دولت های این کشور اروپایی پرادعا تبدیل به یک پاندمی شده است! در یک حرکت سیاسی که بسیاری آن را آخرین تیر در تاریکی می دانند، فرانسوا بایرو، نخست وزیر فرانسه، روز دوشنبه ۲۵ اوت بادرخواست رأی اعتماد از مجلس ملی، خود را در آستانه یک چالش بزرگ قرار داد. قرار است این رأی گیری حیاتی در ۸ سپتامبر برگزار شود و بر اساس تمام برآوردهای پارلمانی، نتیجه‌ای جز سقوط دولت او در پی نخواهد داشت. بایرو، که این روزها در میان دریایی از عدم مشروعیت و نارضایتی عمومی دست و پنجه نرم می کند، در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود تأکید ویژه‌ای بر "سونامی بدهی" کشور داشت. او با لحنی نگران کننده اعلام کرد که فرانسه "هر ساعت دوازده میلیون یورو بیشتر بدهکار می شود" و خواستار یک اجماع ملی برای بازگرداندن تعادل مالی در چهار سال آینده شد. اما تحلیلگران اقتصادی و البته منتقدان سیاسی، این فریاد "بدهی! بدهی!" را بیشتر یک پرده پوشی ماهرانه برای فرار از یک نبرد طاقت فرسای بودجه‌ای بر سر بودجه سال ۲۰۲۶ می دانند، تا یک هشدار واقعی از خطر سقوط اقتصادی. وضعیت در مجلس ملی برای نخست وزیر به هیچ وجه مساعد نیست. با احتساب ۱۳۸ رأی جریان ملی گرای افراطی (به رهبری مارین لوپن و ژوردان باردلا که از همین حالا بساط جشن سقوط دولت را پهن کرده‌اند)، ۱۹۲ رأی جناح چپ (که نخست وزیر را به "انتحار سیاسی" متهم می کنند) و ۲۳ رأی مستقلین، یک اکثریت قاطع برای عدم اعتماد به دولت شکل گرفته است. به نظر می رسد بایرو در این رقابت، هم با ملی گرایان افراطی سرشاخ شده و هم با چپ های رادیکال، و در این میان، حتی اردوگاه میانه و نزدیکان امانوئل ماکرون هم سکوتی معنی دار اختیار کرده‌اند. انگار که همه منتظرند تا ببینند این نمایش سیاسی به کجا ختم می شود.

جالب اینجاست که این "خودکشی سیاسی" با چراغ سبز رئیس جمهور ماکرون صورت گرفته است. هر دو نفر این رأی گیری را "لحظه‌ای برای شفافیت سیاسی" می دانند، اما بسیاری از ناظران آن را راهی برای گشودن دروازه به سوی یک بحران نهادی عمیق‌تر تلقی می کنند. به عبارت بهتر، بسیاری از تحلیلگران فرانسوی هشدار داده‌اند که ماکرون قمار سیاسی بسیار خطرناکی را صورت داده که فرجام آن یا "بی دولتی" یا "تشکیل یک دولت حداقلی" در پاریس خواهد بود. در حالی که بایرو مصرانه بر بدهی ۱۱۴ درصدی نسبت به تولید ناخالص داخلی به عنوان "نفرین فرانسه" تأکید می کند، اقتصاددانان خاطرنشان می کنند که این سطح بدهی بی سابقه نیست و خطر فوری ورشکستگی کشور را تهدید نمی کند. به عقیده آن ها، نزاع اصلی بر سر "چگونگی تقسیم بار اصلاحات" است: آیا شهروندان عادی باید هزینه‌ها را بپردازند یا شرکت های بزرگ و ثروتمندان؟ آیا باید هزینه‌های اجتماعی کاهش یابد یا مالیات بر سودهای کلان افزایش یابد؟ به همین دلیل، ادعای بایرو برای "اجماع ملی" در مورد کاهش بدهی، بیشتر به یک شوخی سیاسی شبیه است تا یک پیشنهاد جدی. به نظر می رسد در اینجا، "بدهی" فقط یک بهانه است تا هر گروه، ساز خودش را برای تقسیم کیک اصلاحات بزند!

توافق حقیرانه سوریه با صهیونیست‌ها؛

جولانی نگهبان اسرائیل می‌شود؟

گروه بین‌الملل

یک تحلیلگر فلسطینی با اشاره به اینکه جولانی در مسیر توافقی خطرناک با صهیونیست ها حرکت می کند، گفت: سوریه تحت حکومت جولانی تبدیل به نگهبان اسرائیل شده و خنجری مسموم به قلب امت اسلامی زد، اما ملت سوریه مقابل این خیانت ساکت نمی مانند. عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه فرامنطقه‌ای رأی الیوم و تحلیلگر برجسته فلسطینی، سرمقاله جدید این روزنامه الکترونیکی را به تماس ها و مذاکرات مستقیم اخیر میان مقامات حکومت جولانی در سوریه با رژیم صهیونیستی به بهانه هایی همچون توافق های امنیتی اختصاص داده و نوشت: احمد الشرع (ابومحمد جولانی) رئیس دولت موقت سوریه اخیرا با یک هیئت رسانه‌ای دیدار کرد که بیشتر آن ها نمایندگان مؤسسات رسانه‌ای و کانال های تلویزیونی شبکه های عربی به ویژه امارات و عربستان سعودی به همراه سامی عبداللطیف النصف، وزیر اطلاع رسانی سابق کویت بودند. این اولین حضور رسمی جولانی در میان اصحاب رسانه محسوب می شود.

چراغ سبز آشکار جولانی برای سازش با صهیونیست‌ها

عطوان افزود: آنچه که در مورد این جلسه و عکس رسمی که آن را مستند کرده، قابل توجه به نظر می رسد، تأکید جولانی بر روند پیشرفت توافق امنیتی میان سوریه با اسرائیل بود که پایه های آن در دیدار اخیر میان اسعد الشیبانی، وزیر خارجه دولت موقت سوریه با ران درمر، وزیر امور راهبردی رژیم اشغالگر طی هفته گذشته بنا شد. یک نکته دیگر که به نظر ما مهم ترین نکته است، این است که جولانی در گفت وگوی خود با رسانه ها با امضای توافق سازش کامل با رژیم صهیونیستی مخالفت نکرد و گفت که اگر چنین توافقی به نفع سوریه و منطقه باشد، آماده امضای آن خواهد بود؛ بدون اینکه مشخص کند این منافع سوریه یا منطقه که در مورد آن حرف می زند چیست و یا حتی آرمان فلسطین و مقدسات آن چه جایگاهی در این میان دارد.

در ادامه این مقاله آمده است: به عبارت دیگر سوریه اکنون در آستانه یک توافق کمپ دیوید جدید قرار گرفته، البته با سرعت بالا که با توافق نامه های امنیتی آغاز می شود؛ توافق نامه هایی که به نظر می رسد بسیار خطرناک تر از توافقات سیاسی هستند و در نهایت سفارتخانه هایی دوجانبه تأسیس خواهد شد و این اتفاق در انتهای تونل دیدارهایی که تحت حمایت آمریکا و با تأیید کشورهای عربی علنی شده‌اند، رخ خواهد داد.

جزئیات توافق خطرناک جولانی با اشغالگران

عطوان تصریح کرد: آنچه که در این میان برای صهیونیست ها اهمیت دارد، امنیت خودشان است که توسط جنبش های مقاومت فلسطین ولبنان و موشک ها و پهپادهای یمنی تضعیف شده است. جولانی در دیدار خود با رسانه ها به کلیات مربوط به مفاد توافق امنیتی با رژیم اشغالگر اکتفا کرد، اما شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی مفاد اصلی این توافق را فاش ساخت که می توان آن ها را به شکل زیر خلاصه کرد:

- آتش بس کامل در زمین، دریا و هوا.
- تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و جلوگیری از هرگونه اقدامی که این رژیم را توسط عناصر سوری یا سایر کشورها تهدید کند.
- جلوگیری از مسلح شدن مجدد ارتش سوریه توسط ترکیه و ممنوعیت استقرار هرگونه سلاح استراتژیک مانند موشک و سامانه های پدافندی در داخل خاک سوریه.
- ایجاد یک گذرگاه بشردوستانه میان فلسطین اشغالی و سوریا در جنوب سوریه به بهانه حمایت از جامعه دروزی ها و قادر ساختن آن ها به حرکت آزادانه و بدون محدودیت.
- غیرنظامی کردن کامل جنوب سوریه یعنی درعا، قنیطره و سویدا به ویژه ارتفاعات جولان برای جلوگیری از هر حمله‌ای به مرزهای فلسطین اشغالی.
- تعهد به بازسازی سوریه با حمایت آمریکا و کمک های کشورهای عربی که منجر به بازگرداندن ثبات در سوریه شود.

جولانی نگهبان اسرائیل می شود

براساس این یادداشت، نگاهی گذرا به این بندها که توسط رسانه های عبری منتشر و مقامات این رژیم فاش شده است، تأیید می کند که بعید نیست خیلی زود حکومت جولانی توافق عادی سازی امنیتی با رژیم اشغالگر را برقرار کند؛ توافقی که به طور کامل از این رژیم محافظت می کند و سوریه نقش اصلی را در این چارچوب ایفا خواهد کرد. عبدالباری عطوان ادامه داد: این هدف، یعنی حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، ستون فقرات همه توافق های عادی سازی میان این رژیم با کشورهای عربی بوده؛ از کمپ دیوید گرفته تا توافقات اسلو و وادی عربه و اکنون هم توافق های به اصطلاح «ابراهیم» که توسط سه کشور عربی یعنی بحرین، امارات و مغرب طی سال های اخیر امضا شده است. در ادامه این یادداشت تأکید شده است: زبان و فرمول بندی در توافقات عادی سازی جدید تغییر کرده، اما اصل مطلب به هیچ وجه عوض نشده است؛ بلکه بندهای آن سختگیرانه‌تر شده، به طوری که رابطه میان آرمان فلسطین و همسایگان عرب آن را کاملا زیر و رو کرده و کشورهای عربی که پیش از این دشمن رژیم صهیونیستی بودند را به کشورهایی تبدیل کند که از موجودیت این رژیم محافظت می کنند و چشم خود را به روی جنایات نسل کشی و گرسنگی آن علیه مردم فلسطین در نوار غزه و کرانه باختری بسته‌اند.

> بعید نیست خیلی زود حکومت جولانی توافق عادی سازی امنیتی با رژیم اشغالگر را برقرار کند؛ توافقی که به طور کامل از این رژیم محافظت می کند و سوریه نقش اصلی را در این چارچوب ایفا خواهد کرد

ملت سوریه خیانت جولانی را تحمل نخواهند کرد

این تحلیلگر فلسطینی تصریح کرد: عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر صهیونیستی، چه سیاسی و چه امنیتی از دیدگاه ما و همچنین میلیون ها ملت عربی و اسلامی و آزادگان در سراسر جهان، خیانتی بزرگ است. عادی سازی روابط سوریه با رژیم اشغالگر آن هم در زمانی که این رژیم، وحشیانه‌ترین جنگ نسل کشی و گرسنگی را علیه مردم ما در نوار غزه به راه انداخته و تبدیل شدن سوریه به نگهبان رژیم صهیونیستی، خنجری مسموم در قلب عربیت و ایمان است. در پایان یادداشت عطوان تأکید شده است: قطعا ما در جبهه مقابل سوریه جدید تحت حکومت جولانی خواهیم بود و این تحول تکان دهنده و دردناک را رد می کنیم و مقابل آن خواهیم ایستاد. اما تسلی ما در این واقعیت نهفته که ملت بزرگ سوریه که در همه جنگ ها با شجاعت و مردانگی جنگیده‌اند، هزاران شهید تقدیم کردند و به میراث فرهنگ بیش از ۸۰۰۰ ساله خود می بالند، نمی توانند مقابل این خیانت سکوت کنند و سوریه را به جایگاه واقعی خود در رهبری مقاومت ضد اشغالگری و آزادسازی همه اراضی اشغالی عربی به ویژه قدس، ارتفاعات جولان و جنوب لبنان بازخواهند گرداند.

گفت‌وگو

محمد رعد، نماینده پارلمان لبنان در گفت‌وگو با «رسالت»:

سلاح مقاومت مصداق شرافت لبنان است

نماینده پارلمان لبنان تأکید کرد: سلاح مقاومت نماد شرف و استواری لبنان است و هرگز آن را به دشمنان سرزمین خود تسلیم نخواهیم کرد.

محمد رعد در گفت‌وگو با «رسالت» اظهار داشت: «کسانی که امروز به سادگی در خصوص تسلیم سلاح مقاومت سخن می گویند، ماهیت و اصالت این سلاح و تأثیر آن بر تحقق استقلال و عزت و شرافت کشورمان (لبنان) را نشناخته‌اند. واقعیت امر این است که مخالفان سلاح مقاومت یا مغرض و عامل دشمن صهیونیستی یا نادان هستند. با این حال اهمیتی ندارد که دشمنان و مهره‌های آن ها در خصوص سلاح مقاومت چگونه فکر می کنند. کنار گذاشتن سلاح مقاومت به معنای نابودی و خودکشی است. ما هرگز قصد نداریم ابزار قدرت کشورمان در برابر تجاوز دشمنان را از دست بدهیم.»

این نماینده پارلمان لبنان افزود:

«حتی کسانی که از تصمیم اخیر مبنی بر خلع سلاح مقاومت دفاع می کنند، اذعان نموده‌اند که قادر به ارائه تضمینی در خصوص عقب نشینی رژیم صهیونیستی و حفاظت از خاک لبنان نیستند.»

خبر

رئیس واحد نوآوری پنتاگون استعفا داد

در تازه‌ترین تغییرات مدیریتی در آمریکا، رئیس واحد نوآوری وزارت دفاع از سمتش استعفا داد.

به گزارش تسنیم، چهار منبع آگاه اعلام کردند در تازه‌ترین تغییرات مدیریتی در آمریکا، رئیس واحدی در پنتاگون که مسئول تسریع پذیرش فناوری های جدید ارتش بود، از سمتش استعفا داد.

براین اساس، «داگ بک» مدیر واحد نوآوری دفاعی سیلیکون ولی، در ایمیلی به کارکنانش اطلاع داد که از سمتش کناره گیری کرده است. وی در این ایمیل دلیل استعفایش را عنوان نکرده است اما اذعان کرده که کار در واحد فناوری پنتاگون بزرگ ترین افتخار زندگی اش بوده است.

این منابع افزودند: بک ابراز کرده است؛ «واگذاری مسئولیت این واحد به فرد جدید تحت رهبری امیل مایکل، معاون وزیر دفاع در بخش تحقیقات و مهندسی خواهد بود و با این حال من از توانایی شخصی خود استفاده خواهم کرد.»

سه منبع خاطرنشان کردند مقامات وزارت دفاع پیش‌تر درباره منابع سیاسی اعطاشده از سوی بک به دموکرات ها، ابراز نگرانی کرده بودند.

رویترز گزارش داد کناره گیری بک آخرین تغییرات سطح بالا در پنتاگون است. هفته گذشته، رئیس آژانس اطلاعاتی وزارت دفاع، رئیس نیروهای ذخیره دریایی و فرماندهی جنگ ویژه نیروی دریایی، به دستور پیت هگست، وزیر دفاع از سمت خود کنار گذاشته شدند.

نگرانی صهیونیست‌ها از هزینه اشغال کامل غزه

ارزیابی های اولیه حاکی از آن است که عملیات نظامی «ارابه های گیدعون ۲» هزینه‌ای بالغ بر ۳/۳ میلیارد دلار به اقتصاد اسرائیل تحمیل خواهد کرد تا بدین شکل میزان کسری بودجه رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۵ تا میزان ۵/۲ درصد از بودجه کل این رژیم افزایش یابد. به گزارش تسنیم، تصمیم کابینه رژیم صهیونیستی برای اجرای عملیات «ارابه های گیدعون ۲» به منظور اشغال کامل نوار غزه از هم اکنون صدای بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان حوزه اقتصادی در سرزمین های اشغالی را درآورده است. با گذشت ۲۲ ماه از آغاز تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی به نوار غزه تصمیم اخیر کابینه نتانیاهو به منظور اشغال کامل باریکه غزه، نگرانی ها را در مورد خطرات و پیچیدگی های این عملیات و پیامدهای سهمگین آن بر اقتصاد اسرائیل افزایش داده است. در حالی که بنیامین نتانیاهو تاکنون تحقق اهداف اعلامی عملیات «ارابه های گیدعون یک» که هزینه ای ۷/۲ میلیارد دلاری را بر اقتصاد اسرائیل تحمیل کرده ناکام مانده است، تصمیم وی برای اشغال کامل نوار غزه با اعتراض بسیاری از مقامات نظامی اسرائیل همراه شده است که معتقدند فراخوان صدها هزار نظامی ذخیره به صفوف ارتش اسرائیل علاوه بر تحمیل هزینه های فراوان، پیامدهای وخیمی را بر اقتصاد اسرائیل رقم خواهد زد.

حمایت وزیر کابینه نتانیاهو از احداث «معبد سوم سلیمان»

«بتسلائل اسموتریچ»، وزیر دارایی رژیم صهیونیستی در جدیدترین اظهارات ماجراجویانه و جنجالی خود مدعی شد حاضر است پول لازم را برای احداث معبد سوم صهیونیست ها در قدس اشغالی تأمین کند.

به گزارش تسنیم، «بتسلائل اسموتریچ»، وزیر دارایی رژیم صهیونیستی در جدیدترین اظهارات ماجراجویانه و جنجالی خود مدعی شد حاضر است پول لازم را برای احداث معبد سوم سلیمان در قدس اشغالی تأمین کند. اسموتریچ در جریان کنفرانس یادبود یک خاخام صهیونیست که روز گذشته در شهر قدس اشغالی برگزار شد اعلام کرد: بودجه مورد نیاز برای ساخت معبد سوم سلیمان در قدس اشغالی را در اختیار شهرداری این شهر قرار خواهد داد. وزیر دارایی کابینه نتانیاهو در حضور شرکت کنندگان در این کنفرانس با خنده خطاب به شهردار شهر قدس اشغالی گفت: «پول از من، ساخت معبد از شما!» این اظهارات وزیر صهیونیست با خنده حاضرین در این نشست همراه شد. «موشه لئون»، شهردار قدس اشغالی هم در واکنش به این اظهارات جنجالی اسموتریچ گفت: «تو بهترین وزیر دارایی حامی قدس هستی که اسرائیل به خود دیده است!» اگرچه اسموتریچ این اظهارات را با خنده و در قالب مزاح بر زبان راند اما بسیاری از ناظران از عزم این وزیر افراطی رژیم صهیونیستی برای احداث معبد سوم سلیمان در محل مسجدالاقصی خبر داده و می افزایند: آنچه در صحنه واقع و عمل در حال رخ دادن است، تغییر در رویکرد اسرائیل در موضوع مسجدالاقصی است.

سخنگوی وزارت خارجه قطر:

توپ در زمین اسرائیل است

سخنگوی وزارت خارجه قطر گفت که میانجی ها منتظر جواب رژیم صهیونیستی هستند ولی ظاهرا این رژیم تمایلی به دستیابی به توافق ندارد. به گزارش تسنیم، ماجد الانصاری، سخنگوی وزارت خارجه قطر به روند مذاکرات بین رژیم صهیونیستی و جنبش حماس پرداخت و گفت که اسرائیل نمی خواهد به پیشنهاد مطرح شده پاسخ دهد. انصاری افزود: توپ اکنون در زمین اسرائیل است و به نظر می رسد اسرائیل تمایلی به دستیابی به توافق ندارد. سخنگوی وزارت خارجه قطر از جامعه جهانی خواست رژیم صهیونیستی را تحت فشار قرار دهند. سخنگوی وزارت خارجه قطر به مکان برگزاری مذاکرات نیز اشاره کرد و اظهار داشت: فرقی نمی کند مذاکرات در مصر یا قطر برگزار شود و آنچه حماس با آن موافقت کرده با آنچه اسرائیل با آن موافقت کرده است، مطابقت دارد. وی با اشاره به اینکه رژیم صهیونیستی تاکنون به پیشنهاد مطرح شده پاسخ نداده است، افزود: اسرائیل باید به پیشنهاد فعلی پاسخ دهد و به نظر می رسد که نمی خواهد این کار را انجام دهد؛ زیرا هیچ پاسخ رسمی از طرف اسرائیل دریافت نشده است، نه پاسخ مثبت، نه پاسخ منفی و نه ارائه پیشنهادی جایگزین.